دانش
هلندی سرگردان ..... ۲۸

دانش
واکسن‌های ضدسرطان ..... ۲۸

خانه
طباخی ساده با مرغ ..... ۲۹

جامعه
پیامدهای کاهش نرخ حق بیمه اجتماعی ۳۰


# گزارشی از پیامدهای زلزله لرستان

# ویرانی هنوز ادامه دارد

عکس: حسین فاطمی، فارس

**بنفشه سام گیس:** صبح روز ۱۱ فروردین ماه سال ۸۵، عقربه ساعت که از ۴ و ۴۷ دقیقه گذشت هیچ کس در «دشت سیلاخور» خواب نبود. در آن تاریکی، هزاران چشم گشوده شد به وحشت از تعبیر دشوار معنای لرزش زمین که پیش خبری بود برای ویرانی و یک دقیقه بعد ویرانی بود و از دشت سیلاخور نشانی نمانده بود...

■■■

بر اثر زلزله ۶/۱ ریشتری روز ۱۱ فروردین ماه که استان لرستان را به لرزه درآورد، ۳۰ روستا به طور کامل ویران شدند و به ۳۳۰ روستا آسیب شدید وارد شد، ۳۱ هزار و ۵۰۰ خانه ویران شد، ۶۶ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۲۴۸ نفر مجروح شدند، ۳۱ بنای تاریخی که ۸۵ درصد آثار به ثبت رسیده استان را شامل می شد تخریب شد و ۲ میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان خسارت بر جای گذاشت، منزل ۲۵۵ خانوار از ساکنان مناطق زلزله‌زده صددرصد و منزل ۷۵۱ خانوار ۳۰ الی ۷۰ درصد ویران شد، احشام ۹۵ خانوار تلف شد و ۳۵۵ خانوار وسایل ضروری زندگی خود را از دست دادند، ۵۰۰ کارگر بیکار شدند، ۳۳۷ مدرسه تخریب شد، ۲۸ خانواده عزادار مرگ پدر شدند. و سه خانواده سوگوار مادر...

■■■

بنا بر تشخیص کارشناسان، محل وقوع زلزله «دشت سیلاخور» واقع در روستای «درب آستانه» اعلام شد. دشت گسترده‌ای که از دو سو در فاصله‌ای بسیار دور دست به کوهپایه محصور بوده و در میانه این فاصله که همان گودافتادگی زمین باشد، روستاها، پراکنده و کم جمعیت، شکننده و تک به تک دیده می شدند. امروز از آن روستاها، زمینی خالی از خانه اما پر از ویرانه به جا مانده و ما که فاصله خرم‌آباد تا کانون وقوع زلزله را با اتومبیل طی می کردیم، محض رضای خدا، یک خانه ساخته شده که سقف و دیوارش به هم آمده و قابل سکونت باشد ندیدیم آن هم امروز که ۵ ماه از سال گذشته و ۴ ماه از وقوع زلزله و در جایی مثل دشت سیلاخور که لااقل کمتر از یک ماه دیگر، سرما طاقت آوارگان روستایی را به سر می آورد و آن چادرهای برزنتی هم چندان مقاومت ندارند در مقابل باد سرد و بی حیای دشت که بی اجازه و ناآگاه، از هر سوراخ سنبه‌ای وارد می شود تا لرزه به جان آدم بیندازد.

یادآوری اخبار هم گاهی خوب است:

«رئیس ستاد حوادث غیرمترقبه استان لرستان- ۸۵/۱/۱۱، ۱۲ ساعت پس از وقوع زلزله: کار آواربرداری و بازسازی منطقه از سه روز دیگر آغاز خواهد شد.» در فاصله کوتاه، کنار هر پشته از خاک و آوار، چادرهای اهدایی هلال احمر به زمین بند شده‌اند و سرک که بکشی و داخل چادرها را نگاهی بیندازی، نشانی از زندگی نمی بینی مگر یک تکه فرش یا زیلو که از زلزله جان به در برده و احتمالاً چند کاسه و بشقاب و قوطی‌های کنسرو و بقیه چیزها هم با همین اوصاف و نه مفصل تر. چادرها روی زمین‌های ترک خورده بنا شده‌اند و معلوم نیست که ترک‌ها، بازمانده از لرزش زمین است یا محصول خشکسالی. کافی است ضربه‌هایی با نوک کفش به ترک‌ها بزنی و از فرورفتگی محسوس جای پا بفهمی که زمین زیر پایت تا چه حد از درون فروریخته است، گرچه که ظاهری یک‌دست دارد. از آنچه که دوروبر می بینیم، از آن به هم‌ریختگی سنگ و خاک، نمی توان پیش بینی کرد که تا پیش از لرزش زمین، این روستاهای کوچک چه شکلی داشته‌اند و بنابراین هر توصیفی که بشنویم بی فایده است و تعریف از طبیعت دشت سیلاخور جاذبه‌ای برای نگاه ما که فقط خرابی و ویرانی می بیند، ندارد. آنچه که در طول همان مسیر کوتاه یک ساعت و نیمه می بینیم اصرار بر پاسخ گرفتن این پرسش را تقویت می کند که در ۵ ماه گذشته چه کاری صورت گرفته و کمک‌های نقدی سازمان ملل، صندوق توسعه بین‌الملل اوپک، کمک‌های بلاعوض و تسهیلات ارزان‌قیمت هیات دولت که ۵ روز بعد از وقوع زلزله تصویب شد، وجوه مردمی که به حساب ۱۱۷۸ اعلام شده از سوی کمیته امداد واریز شد و ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار ویژه که از محل اعتبار حوادث غیرمترقبه کشور تخصیص یافت برای چه اموری صرف شده که هنوز آوار برجا است و روستاییانی که ما می بینیم بی‌خانه‌اند و هنوز چادرهای اهدایی برپاست و روستاییان هنوز از توالت و حمام صحرایی استفاده می کنند و هنوز بوی تعفن فاضلاب از کنار گودال‌های انباشته از خاک و شن به مشام می رسد؟ آنچه که با سرعت ۴۰ کیلومتر در ساعت از پیش روی ما می گذرد نمی تواند پاسخ مناسبی برای پرسش‌های ما باشد.

کمتر از دو ماه پس از وقوع زلزله، دانشگاه علوم پزشکی لرستان در گزارشی که به خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) مخابره شد پیرامون وضعیت و مشکلات مناطق زلزله‌زده اعلام کرد: «بی برنامگی و مقطعی بودن حضور کمپرسی، لودر و بیل مکانیکی در منطقه و ناهماهنگی ادارات جهاد کشاورزی و راه و ترابری با بهداشت محیط منطقه درخصوص جمع آوری فضولات دامی، ناکافی بودن کمپرسی، لودر و بیل مکانیکی با توجه به حجم زیاد فضولات دامی، طراحی نامناسب حمام‌های ساخته شده توسط صنایع نظامی، کم بودن تعداد توالت و حمام‌های در نظر گرفته شده برای مناطق آسیب دیده که جوابگوی نیاز مردم نیست، عدم وجود متولی خاص جهت حفاظت و نظافت توالت‌ها، عدم استقرار آتش نشانی در منطقه، عدم وصل آب به توالت‌های صحرایی، کم بودن تانکرهای سیار آبرسانی، عدم توزیع مناسب آب شرب بطری شده بین ساکنان مناطق زلزله‌زده، عدم پیشرفت سریع روند بازسازی و نوسازی شبکه‌های آبرسانی و عدم اسکان مردم در کانکس‌های مناسب و بهداشتی از جمله مشکلات مناطق زلزله‌زده استان لرستان است.» نخستین واحد مسکونی ۵ ماه بعد از وقوع زلزله به بهره‌برداری رسیده است. ۵ ماه فعالیت و فقط یک واحد مسکونی. تناقضی عیان و آشکار با وعده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مبنی بر نوسازی تمام واحدهای مسکونی غیرمقاوم و روستایی تا ۱۰ سال آینده. وعده‌ای که تحقق آن مستلزم بهسازی و نوسازی ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی در طول هر سال بوده آن هم به این شرط که منابع و امکانات مالی طی ۱۰ سال اجرای برنامه در حد صددرصد تامین شود. فروردین ماه ۸۵، زمان آغاز اجرای برنامه بوده که وقوع زلزله و تخریب ۳۰ هزار واحد مسکونی در یک استان ضرورت اجرای این برنامه را دوبرابر کرده است، با این حال تا این هنگام که پنج ماه از زمان اجرای این وعده گذشته نه تنها هیچ خبری از فعال شدن پروژه بهسازی ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی شنیده نشده بلکه پیشرفت عملیات ساخت واحدهای مسکونی روستایی که در اثر وقوع زلزله تخریب شدند نیز به دلایل گوناگون از جمله گران شدن مصالح ساختمانی دچار تعویق و رکود شده است در این حد که به استناد گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران تا نیمه مردادماه و با گذشت چهار ماه از وقوع زلزله فقط برای دو هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی عملیات پی کنی انجام شده و فقط در یک هزار واحد بتن ریزی صورت گرفته، در عین حال که ۸۴۰ روستای استان نیز با کمبود شدید آب مواجهند. مسئولان بهزیستی و بهداشت استان هنوز در منطقه زلزله‌زده حضور دارند. چادرهایی که بر آن هشدارهای رعایت بهداشت فردی و پارچه‌نوشته «امداد روانی اجتماعی» نصب شده حضور این افراد را تایید می کند در حالی که از مسئولان نهادهای دست‌اندرکار در ساخت و ایجاد خانه برای روستاییان خبری نیست. یک کانکس هم در نزدیکی کانون زلزله مستقر شده که پناهگاه شبانه‌روزی نیروهای امداد بهزیستی است. یکی از ایشان می گوید: «ما از زلزله بم درس‌های فراوانی یاد گرفتیم. تعجب نکنید که چطور زلزله‌ای با قدرت شش ریشتر فقط ۱۳۰۰ زخمی و ۶۶ کشته بر جای گذاشت. شب قبل از وقوع زلزله، نیروهای بسیج با گشت سیار در سراسر منطقه هشدار دادند که ساکنان شب را بیرون از خانه به صبح برسانند زیرا احتمال وقوع زلزله وجود دارد. در واقع وقوع دو زمین لرزه البته با درجات خفیف‌تر هنگام عصر و غروب روز ۱۰ فروردین ماه زنگ خطری بود که خوشبختانه اکثریت ساکنان آن را شنیدند. آن ۶۶ نفری هم که کشته شدند افرادی بودند که بی تاب شده و هشدارهای بسیج را به مسخره گرفتند و نیمه شب به خانه‌هایشان بازگشتند و متاسفانه بر اثر زمین لرزه و تخریب خانه‌ها جان خود را از دست دادند.» اظهارات دکتر «محمود فاطمی عقدا» رئیس پژوهشکده سوانح طبیعی کشور در همان روز وقوع زمین لرزه در استان لرستان ۱۳۸۵/۱/۱۱ گفته‌های مددکار ساده سازمان بهزیستی را تایید می کند. «زمین لرزه‌ای که بامداد روز ۱۱ فروردین ماه سال ۸۵ استان لرستان را به لرزه درآورد ناشی از فعال شدن گسل شهرستان دورود بود. این زمین لرزه دو پیش لرزه داشت که یکی در ساعت ۱۹ و ۴۷ دقیقه و با قدرت ۴/۷ ریشتر و دیگری در ساعت ۲۳ و ۶ دقیقه بامداد و با قدرت ۵/۱ ریشتر واقع شد و در واقع این پیش لرزه‌ها هشداری بود نسبت به وقوع زمین لرزه‌های با قدرت بالا.» در عین حال مسئولان پژوهشکده سوانح طبیعی کشور تا ساعات پایانی روز بعد از وقوع زلزله با ثبت ۶۵ پس لرزه، این اطمینان را حاصل کردند که وقوع این پس لرزه‌ها که هیچ کدام از قدرت تخریبی بالا برخوردار نبودند وضعیت زلزله‌زدگان را از آنچه که هست بدتر نخواهد کرد.

■■■

در میانه دشت سیلاخور همانجا که به عنوان کانون زمین لرزه شناسایی شده زمین فوتبالی راه انداخته‌اند و جوان‌های روستایی از دور و نزدیک به زمین علف‌پوش آمده‌اند و مشغول گل زدن به دروازه‌هایی هستند که از جوش دادن چند دار قالی شکل گرفته است.

بهزیستی استان دروازه و لباس فوتبال و توپ و کفش و جوراب را جور کرده و جمعی که بعضی‌شان تا به حال توپ فوتبال واقعی که در صفحه تلویزیون می دیدند را از نزدیکی لمس نکرده‌اند، در این دشت وسیع ساعتی بعد از کار روزانه یا روزمرگی‌های ویژه روستا جمع می شوند و دنبال توپ چهارخانه سفید و سیاه می دوند تا آن زمان که باد تند و تیزی از وسعت دشت به سمت چادرها وزیدن می گیرد که ترجیح می دهند به چادرها و تاریکی چادرها پناه ببرند. حکایت زن‌ها و دختران روستایی هم دست کمی از جوانان و مردانشان ندارد. در زمان بازدید ما از منطقه زمانی که حرکت چرخ‌های اتومبیل‌ها روی جاده‌های خاک‌آلود که هنوز بقایای آواز زلزله بر تنشان مانده ستونی از غبار را پشت سرمان به پا می کند، زن‌ها و دخترهای روستایی شده‌اند چشم و مقابل چادرهای سبز و سیاه و سفید چمباتمه زده یا ایستاده رد ما را دنبال می کنند انگار که هیچ کاری نداشته‌اند جز آنکه به انتظار ما بمانند و واقعاً هم کاری ندارند جز آن که به انتظار بمانند. و این انتظار محصول زلزله است.

■■■

بازگشت ما از دشت سیلاخور و روستای درب‌آستانه با نگاه‌های پرسئوال بدرقه می شود در حالی که ما هیچ پاسخی برای این حجم نگاه نداریم که پاسخ سئوال‌های خودمان را هم نگرفته‌ایم. فصل مشترک ما که چند خبرنگار هستیم و آن زنان و دختران و پسران جوان روستایی این است که: «روز ۱۱ فروردین سال ۸۵، ساعت ۴ و ۴۷ دقیقه بامداد، زمین‌لرزه‌ای به قدرت ۶/۱ ریشتر استان لرستان را به لرزه درآورد. کانون زمین لرزه دشت سیلاخور واقع در روستای درب آستانه جایی در جنوب بروجرد و غرب دورود شناسایی شد.»

## ۹۰ درصد داروخانه‌های تهران داروی قاچاق توزیع می‌کردند

**فارس:** معاون غذا و داروی وزارت بهداشت اعلام کرد: ۹۰ درصد داروخانه‌های تهران دارو و مواد قاچاق هم توزیع می کردند که با اجرای طرح برخورد با داروخانه‌های متخلف از دو ماه پیش این میزان به ۳۰ درصد کاهش یافته است. رسول دیناروند افزود: با اجرای طرح برخورد با داروخانه‌های توزیع‌کننده مواد قاچاق و داروهای تقلبی تاکنون ۱۰ داروخانه متخلف در تهران به دستگاه قضایی معرفی شده‌اند که سه‌تای آنها با حکم کمیسیون قضایی داروخانه‌ها به صورت موقت تعطیل شدند و داروخانه‌های دیگر تذکر دریافت کردند. وی ادامه داد: برای برخورد با پدیده توزیع داروهای قاچاق در کشور از اول امسال برنامه‌ریزی کردیم، ابتدا یک بخشنامه ۱۷ ماده‌ای توسط وزیر بهداشت به همه دانشگاه‌های علوم پزشکی و داروخانه‌های سراسر کشور ابلاغ شد و طی آن وظایف داروخانه‌ها و نظارت دانشگاه‌ها تاکید شد و پس از دو ماه اطلاع‌رسانی و فرصتی که به داروخانه‌ها دادیم، عملیات برخورد با متخلفان آغاز شد. دیناروند اضافه کرد: بیشتر این نوع تخلفات و فروش و توزیع داروها و مکمل‌های غذایی تقلبی در شهر تهران است و به عنوان مثال در برخی داروخانه‌های تهران تا حدود ۵۰ میلیون تومان داروی قاچاق کشف کرده‌ایم. وی گفت: داروهای قاچاق عمدتاً تقلبی هستند و در کشورهای همسایه با کپی کردن جلد و بروشور داروی اصلی تولید می شوند و نه تنها ماده موثره دارو را ندارند بلکه حتی ممکن است برای بیمار مضر هم باشند در حالی که ممکن است نجات جان یک مریض وابسته به مواد موثره این داروها باشد اما متاسفانه آزمایشگاه‌های ما ثابت کرده‌اند که اکثر این داروها هیچ ماده موثره‌ای ندارند. معاون وزیر بهداشت تاکید کرد: دیناروند گفت: مواد تقلبی موجود در داروخانه‌ها دو دسته هستند؛ یکی مکمل‌های غذایی تقلبی هستند که برای جلوگیری از قاچاق آن روند قانونی ورود این مواد را تسهیل کرده‌ایم و اکنون حدود ۲۰ نوع فرآورده مکمل مجاز در داروخانه‌های کشور توزیع می شود، دسته دیگر فرآورده‌های دارویی حیاتی هستند مانند کلوزاپین، کلوپیدورر یا والوکوزپین که در کشورهای حاشیه ما به صورت تقلبی و بدون ماده موثره تولید می شوند و از طریق قاچاق وارد چرخه توزیع در کشور می شوند. وی افزود: دسته دیگری از داروهای قاچاق هم هستند که مربوط به داروهای غیرمجاز و غیرقانونی در کشور می شوند مانند داروهای سقط جنین، دوپینگ، مواد مخدر و توهم‌زا و داروهای غیرمجاز ترک اعتیاد که محل توزیع آن جاهایی مانند ناصرخسرو است. در مورد این مواد چون اساساً این نوع داروها و مواد غیرقانونی هستند برخورد انتظامی و امنیتی لازم است که از اول امسال در حال انجام است. دیناروند گفت: غیر از این مواد غیرقانونی، فرآورده‌های دیگر دارویی قاچاق نیز هستند که اصل آنها به عنوان دارو در داروخانه‌ها توزیع می شود اما نمونه تقلبی آن هم در کشورهای همسایه تولید می شود و چون برخی پزشکان این داروها را نسخه می کنند، داروخانه‌ها به بهانه اینکه پزشکان این داروها را نسخه می کنند و با اظهار بی اطلاعی نسبت به قاچاق بودن آنها این داروها را به نحوی از شبکه غیررسمی تهیه می کنند. معاون وزیر بهداشت توضیح داد: برخورد با داروخانه‌های متخلف و توزیع کننده مواد قاچاق و غیرمجاز در تهران و شهرستان‌ها همچنان ادامه دارد اما گستردگی این پدیده در تهران بسیار بیشتر از شهرستان‌ها است. در این مرحله داروخانه‌های متخلف با حکم قضایی به صورت موقت تعطیل می شوند یا به آنها تذکر داده می شود زیرا فعلاً می خواهیم به آرامی داروهای تقلبی از بازار جمع‌آوری شود به همین علت هنوز هیچ داروخانه‌ای تعطیل دائم نشده است.

نگاه

## رسالت آموزش و پرورش و «تمرین مهارت‌های زندگی»

حیدرعلی شاه‌حسینی

«در کشورهای توسعه‌یافته هدف مدرسه آموزش مهارت‌های زندگی و تمرین آنها است.» «... کارشناسان و مسئولان آموزش و پرورش ایران نیز هم‌صدا با کارشناسان و مدیران آموزش و پرورش کشورهای توسعه‌یافته [همان‌ها را می گویند] اما در عمل همچنان از روش‌های قدیمی و ناکارآمد استفاده می شود.» (روزنامه شرق، ۲۴ آبان ۸۴ صفحه ۲۱ مقاله: «تمرین مهارت‌های زندگی در مدرسه» شیرزاد عبداللهی) نویسنده بعد از تایید «تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان مدارس» که صاحب‌نظران ثروت‌مدار آن را همچون ابزاری قاطع و کارساز در توجیه نابرابری موقعیت‌ها و فرصت‌ها پیوسته بر سر مردم محروم و زحمتکش که کمتر فرصت خودسازی و کسب دانش و معرفت دارند، می کوبند تا به آنها بقبولانند که ذاتاً و طبیعتاً کندذهن و نالایقند و شایسته هیچ کار مهم و اثرگذاری در جامعه نیستند- «معتقد است که بچه‌ها یاد می گیرند که اظهارنظر و انتقاد کنند». که لابد اینها از اولین مهارت‌های زندگی است که در مدرسه‌های مدرن کشورهای پیشرفته به دانش‌آموزان یاد می دهند. اما آنچه مربوط به مدارس کشورهای توسعه‌یافته است که گویا در آنها دانش‌آموزان اظهارنظر و انتقاد می کنند گفته‌ای است دور از حقیقت. همه کسانی که تا حدودی از اوضاع جهان بااطلاع‌اند می دانند که در مدارس کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته اصلی‌ترین هدف پرورش انسانی‌هایی است که هرچه بیشتر کار کنند و کمتر توقع و انتظار داشته باشند تا ثروتمندان و صاحبان صنایع و بازرگانان و شرکت‌های بزرگ ملی و فراملی هرچه بیشتر به سود مورد انتظار دست یابند و برای رسیدن به این هدف تحت عنوان «حرفه‌ای و تخصصی شدن آموزش و پرورش» سوای آموزش حرفه‌هایی که به درد کارخانه‌داران و مقام‌های بازرگانی می خورد، وارونه جلوه دادن حقایق از معلومات مکملی است که فرمانروایان به مغز و ذهن دانش‌آموزان کشور خود از طریق مدرسه و رسانه‌ها تزریق می کنند. هم‌اکنون یک کتاب به‌نام «چگونه انسان برده می شود» از یک آلمانی به‌نام ارنست راوتر، چاپ ۱۳۶۱، انتشارات توس، در پیش روی من است که نویسنده در آن سازوکار برده شدن انسان‌های زحمتکش را در جوامع به اصطلاح پیشرفته امروز بررسی می کند. از جمله می گوید: «بیاییم بررسی کنیم و ببینیم آن نقطه عطف تاریخی که بعد از آن قدرت از آن اقلیت به دست اکثریت افتاده است کدام است؟ در تمام قرون و اعصار ثروتمندان و قدرتمندان به محرومان و استثمارشدگان گفته‌اند: حکومت شما حکومتی عادلانه است و سرکوب‌شدگان و فرمانبرداران حق نداشته‌اند از جامعه فعلی خود انتقاد کنند که اکثراً به قیمت جان انتقادکننده تمام می شده است و می شود زیرا انتقاد از اجتماع جبراً انتقاد از حکام است و اگر فرمانروایان بر مغزها حاکم نباشند، دیگر جایشان بر مسند قدرت نیست. (همان، قسمت ۸، دولت چگونه به‌وجود می آید و چه نقشی بازی می کند، ص ۴۱) آنگاه توضیح می دهد که دو راه پیشرفته برای حکومت کردن بر این بردگان جدید پیش روی دولت قرار دارد. اول: پیچیده‌تر کردن روزافزون مکانیسم تسلط به طریقی که برای فرمانبرداران تحت سلطه غیرقابل دیدن و فهم باشد. دوم: توسعه و تکامل ارتباط جمعی، رادیو، تلویزیون و نشریات گوناگون که همگی تحت اختیار و سلطه ثروتمندان و دولت‌های هوادار آنها قرار دارد. در این خصوص نتیجه می گیرد: «با توجه به کلیه جوانب این دستگاه‌های خبررسانی و تاثیری که مدارس بر مغزهای بی دفاع جوانان نابالغ دارند، امکان این هست که تیزهوش‌ترین آدم‌ها را آنچنان به اشتباه انداخت که برای حکم اعدام خودشان کف بزنند و هورا بکشند.» (همان، ص ۴۴) و اما آنچه در مدارس ما می گذرد نیاز به توصیف و بررسی ندارد و آنجا که نویسنده از اظهارنظر و انتقاد کردن دانش‌آموزان صحبت می دارد، معلوم نیست به کدامین نوع مدارس توجه دارد؟ آنچه حقیقت دارد این است که اولیای آموزش و پرورش و حتی شمار بزرگی از معلمان در مدارس ما بر چنین پدیده‌هایی که در این سال‌های اخیر به صورت صوری تا حدودی رواج یافته است به دیده یک امر حاکی از بدعت و خارق عادت نگاه می کنند و معتقدند که دانش‌آموزان و کودکان را چه به این فضولی‌ها! اما در اینجا پدیده‌ای خودنمایی می کند که توجه به آن برای روشن شدن مطلب کاملاً لازم است و آن این است که در این سال‌های اخیر قسمتی از حاکمیت فهمیده است که دیگر با شیوه سابق حکومت کردن دیگر ممکن نیست و صلاح دیده است که نوعی حاکمیت دموکراسی کنترل شده را در دستور کار خود قرار دهد، مسئولان آموزش و پرورش نیز به اقدامات چندی در این خصوص دست زده‌اند که راه‌اندازی «مجلس شورای دانش‌آموزی» مهمترین آنها است که تحلیلگران امور اجتماعی اجرایی شدن اهداف اعلام شده را- تمرین دموکراسی- چندان جدی نمی گیرند. آخر یکی از مقتضیات بزرگ دولت مردم‌سالاری، آزادی عقیده، انجمن‌ها، احزاب و اجتماعات است که دانش‌آموزان نیز باید از آن برخوردار شوند. بگذریم و دیگر «مهارت‌هایی» را که نویسنده مدنظر قرار داده است مورد توجه قرار دهیم:

ادامه در صفحه ۳۰